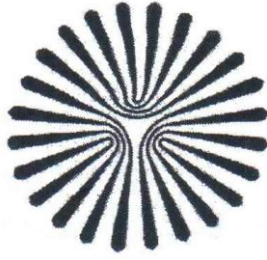


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

مرکز تحصیلات تکمیلی

رساله برای دریافت مدرک دکتری تخصصی (Ph.D)

رشته حقوق بین الملل عمومی

عنوان رساله :

لزوم قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای بین المللی نفتی

ناظر بر استخراج و انتقال مواد نفتی

استاد راهنما : آقای دکتر مرتضی نجفی اسفاد

استاد مشاور اول : آقای دکتر رضا موسی زاده

استاد مشاور دوم : آقای دکتر حسن سواری

دانشجو: مرتضی دارابی نیا

زمستان ۱۳۹۲

گواهی اصالت، نشر و حقوق مادی اثر

اینجانب مرتضی دارابی نیا دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۶ مقطع دکتری تخصصی رشته حقوق بین الملل عمومی گواهی می نمایم چنانچه در رساله خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته ام با نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

مرتضی دارابی نیا

اینجانب مرتضی دارابی نیا دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۶ مقطع دکتری تخصصی رشته حقوق بین الملل عمومی گواهی می نمایم چنانچه بر اساس مطالب رساله خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب و نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب و به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

مرتضی دارابی نیا

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این رساله متعلق به دانشگاه پیام نور می باشد.

بهمن ۱۳۹۲

تقدیم به :

تمام انسان هایی که نگران حفاظت از محیط زیست بوده و برای پیشگیری، کاهش و رفع آلودگی تلاش می کنند.

سپاسگزاری

از آنجایی که در تدوین این رساله مرهون زحمات و تلاش های اساتید گران قدرم می باشم، بر خود لازم می دانم از جناب آقای دکتر مرتضی نجفی اسفاد که زحمت راهنمایی مرا برعهده داشتند، جناب آقای دکتر رضا موسی زاده و جناب آقای دکتر حسن سواری که از مشاوره های ارزشمند با آنان استفاده نمودم سپاسگزاری نمایم. همچنین قدر دانی خود را از جناب آقای دکتر سید نصرالله ابراهیمی، جناب آقای دکتر علیرضا حجت زاده و جناب آقای دکتر حسین شریفی طرازکوهی که دررفع اشکالات اینجانب را یاری نمودند ابراز می دارم.

چکیده

عملیات نفتی چه در بخش بالا دستی صنعت نفت که شامل اکتشاف و استخراج می باشد و چه در بخش پایین دستی که عمدتاً عملیاتی از قبیل انتقال و توزیع نفت را در بر می گیرد به تجارت و معامله ماده ای می انجامد که دارای ماهیتی سمی بوده و در صورت سرایت به محیط زیست، خسارت فراوانی برجای می گذارد. لذا با توجه به گستردگی معاملات نفتی و نقل و انتقال این ماده به سراسر جهان و از سوی دیگر خاصیت آلوده کنندگی آن این سؤال مطرح می گردد که لزوم قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی را با استناد به چه اصولی می توان اثبات نمود؟ به نحوی که اولاً قواعد زیست محیطی در هر قرارداد نفتی به عنوان جزء لاینفک قرارداد در متن یا ضمایم آن محسوب گردد و در ثانی بتوان با تبیین شفاف مسئولیت و تعهدات طرفین قرارداد و تعبیه راهکارهای مناسب در متن قرارداد نسبت به پیشگیری، کاهش و رفع آلودگی، اعاده به وضع سابق و یا جبران خسارت اقدام نمود. اصول مورد استفاده در اثبات التزام به قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی بر گرفته از اصول حاکم بر تجارت بین الملل، حقوق بین الملل، اصول مندرج در کنوانسیون های بین المللی حاکم بر فعالیت های تجاری و حقوق بشری می باشند. ضرورت التزام به رعایت قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی از چنان اعتباری برخوردار است که نه تنها عدم قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی، آن را به قراردادی معیوب و ناقص تبدیل می کند بلکه در وصف ماهیت تعهد در قراردادهای نفتی به عنوان تعهد به نتیجه ایراد جدی وارد می آورد چرا که پروژه نفتی علی الاصول تا انجام تمامی تعهدات، قابل تحویل نهایی نبوده و رعایت قواعد زیست محیطی نیز یکی از تعهدات اساسی در هر پروژه نفتی می باشد. پس از اثبات ضرورت قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی، آنچه که واجد اهمیت محسوب می گردد بکارگیری عملی قواعد مذکور و اجرای شفاف آن مطابق با حدود مسئولیت طرفین قرارداد در جهت، جلوگیری از آلودگی نفتی، اعاده وضع به حال سابق و جبران در خسارات وارده می باشد.

کلید واژه: قواعد زیست محیطی - قراردادهای نفتی - آلودگی محیط زیست - مسئولیت های ناشی از

آلودگی نفتی

فهرست اختصارات

ACHPR	African Charter on Human and peoples' Rights.	منشور آفریقای حقوق بشر و اقوام
ECI	European Court of Justice.	دادگاه اروپا
ECT	The Energy Charter Treaty.	معاهده منشور انرژی
EOR	Enhanced Oil Recovery .	(روش) ازدیاد برداشت از چاه نفت
EPG	Engineering, procurement, construction.	(قرارداد نفتی مربوط به) طراحی، تهیه تجهیزات و ساخت
ICSID	International Center for settlement of Investment Dispute.	مرکز بین المللی حل اختلافات دعاوی سرمایه گذاری
IMO	International Maritime Organization.	سازمان بین المللی دریانوردی
OECD	Organization for Economic Co-operation and Development.	سازمان توسعه و همکاری اقتصادی
OPRC	Convention on Oil Preparedness, Response and Co-operation.	کنوانسیون آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی
POP	persistent organic Pollutants.	آلاینده های آلی پایدار

PSEEZ Pars Special Economic Energy Zone.

منطقه ویژه اقتصادی و انرژی پارس

SOPEP Ship Oil Pollution Emergency Plan.

طرح اضطراری مقابله با آلودگی نفتی از کشتی

TIC Tomback Industrial Complex.

مجتمع صنعتی تمبک

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
	بخش اول : التزام به قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی با توجه
۱۷.....	به اصول حاکم بر تجارت بین الملل
۱۸.....	فصل اول : قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی به عنوان بیع بین المللی
	فصل دوم : قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی با نگرش بر اصول مندرج
۳۳.....	در کنوانسیون های حاکم بر فعالیت های تجاری و معاهده منشور انرژی
	فصل سوم : رعایت قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی با توجه به اصل حق بر
۴۹.....	محیط زیست سالم
	بخش دوم : قید قواعد زیست محیطی در انواع قراردادهای نفتی و ایجاد
۵۵.....	همسویی در رعایت آن
۵۶.....	فصل اول : قید قواعد زیست محیطی با توجه به ماهیت قراردادهای نفتی
۷۶.....	فصل دوم : ایجاد تعادل دو سویه در بهره برداری نفتی و حفاظت از محیط زیست
	بخش سوم : مسئولیت ها و خسارات ناشی از عدم رعایت مقررات زیست
۸۸.....	محیطی در قراردادهای نفتی
۹۱.....	فصل اول : مسئولیت های خسارت بر محیط زیست ناشی از آلودگی نفتی
۱۲۸.....	فصل دوم : مفهوم زیان دیده در خسارات زیست محیطی ناشی از آلودگی نفتی

بخش چهارم : اعمال مقررات زیست محیطی در مراحل مختلف بالادستی و	
و پایین دستی بهره برداری از منابع نفتی	۱۳۹.....
فصل اول : رعایت قواعد زیست محیطی در مراحل استخراج مواد نفتی	
(بخش بالادست)	۱۴۰.....
فصل دوم : رعایت قواعد زیست محیطی در مراحل انتقال مواد نفتی	
(بخش پایین دست)	۱۵۳.....
بخش پنجم: تحلیل برخی از قراردادهای نفتی و بررسی تقدم مسئولیت	
کارفرما راجع به آلودگی نفتی در تعدادی از آراء بین المللی	۱۷۰.....
فصل اول : تحلیل برخی قراردادهای نفتی از جنبه درج و رعایت مقررات زیست	
محیطی در آنها	۱۷۰.....
فصل دوم : تقدم مسئولیت کارفرما در صورت بروز آلودگی نفتی برگرفته از آراء	
مراجع بین المللی	۱۷۸.....
نتیجه گیری	۱۸۳.....
فهرست تفصیلی مطالب	۱۸۸.....
منابع	۱۹۵.....

مقدمه

۱- بیان مسئله

هر چند قواعد زیست محیطی در تمام معاملاتی که احتمال ورود خسارت به محیط زیست و یا صدمه به اموال و اشخاص می رود می بایست رعایت گردد اما در برخی از کالاها مانند نفت خام به دلیل ماهیت سمی و مضر بودن آن برای محیط زیست و نیز حجم بالای معاملات و نقل و انتقال آنها، الزام مذکور شدیدتر بوده و بر کل عملیات نفتی اعم از اکتشاف، استخراج، پالایش و انتقال حاکم است. از آنجائیکه معاملات نفتی در انطباق با ضوابط بیع بین المللی^۱، در زمره بیع بین المللی کالا قرار می گیرند لذا در این رساله با مبنا قراردادن اصول حاکم بر تجارت بین المللی و نیز حقوق بین الملل، لزوم قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی مورد بررسی قرار می گیرد. از مدتها قبل گسترش آلودگی ناشی از مواد نفتی موجب شده بود تا راهکار مناسبی برای مقابله با آن جستجو شود. هرچند از حدود ۶۰ سال پیش با تصویب اولین کنوانسیون بین المللی با عنوان جلوگیری از آلودگی دریا توسط نفتکشها تلاش شد تا از آلودگی دریا به مواد نفتی جلوگیری شود اما شفاف نبودن حدود مسئولیت اشخاص اعم از کارفرما و شرکتهای دولتی از یکسو و شرکتهای پیمانکار و صاحبان نفتکش ها، محدودیت های مالی در پرداخت خسارت به زیان دیدگان و عدم نظارت بر انجام تعهدات کشورهای عضو باعث شد تا نتایج مورد انتظار حاصل نگردد.^۲ به عبارت دیگر در گذشته، تنظیم کنندگان قراردادهای نفتی خود را فارغ از التزام به دو موضوع اساسی می دانستند. موضوع اول لزوم قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی به استناد اصول حاکم بر تجارت بین المللی و حقوق بین الملل و موضوع دوم عدم اجرای صحیح و دقیق قواعد مذکور در روابط حقوقی طرفین بود. منظور از قواعد^۳ زیست محیطی احکام کلی در موضوع محیط زیست است که تمامی اصول، قوانین و مقررات زیست محیطی ذیل عنوان آن قرار می گیرد. قاعده زیست محیطی همانند عدم آلودگی آب پایه ای است برای وضع اصولی و قوانین مربوط به محیط زیست، اصولی که بیانیه ریو به آن اشاره کرده است و قوانینی که کشورها برای حفاظت از محیط زیست وضع می نمایند و مقررات زیست محیطی نیز تکلمه و تشریح قوانین موضوعه زیست محیطی در مقام اجرا و عمل است، چنانکه حقوقدانان نیز قاعده را قانون بسیار کلی که منشاء استنباط قوانین محدودتر بوده یا مبنای قوانین متعدد دیگر باشد تفسیر نموده اند.^۴

1 – J.O. Honnold, **Uniform Law for International Sales under the 1980 UN Convention**, kluwer Taxation Pub, 1991, P.106.

2 – Mason, Michel, **Transitional Compensation for Oil Pollution Damage: Examining Changing Spatialities of Environmental Liability**, Department of Geography and Environment, **London School of Economics**, 2012, No.2, P.128.

3- Norms.

۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **ترمینولوژی حقوقی**، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۵۱۳.

به عنوان نمونه استناد به اصل حاکمیت اراده طرفین همان قدر می تواند در اثبات لزوم قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی مورد اتکاء قرار گیرد که در جهت خلاف آن نیز ممکن است با تعبیری خاص، استنباط دیگری از آن به عمل آید. اما حقیقت این است که اصل حاکمیت اراده در موارد خاص با موانعی مواجه می گردد که یکی از آنها منع قانونی است، همچنان که اصل ۴۰ قانون اساسی حفاظت از محیط زیست را وظیفه عمومی می داند و ضمن شناسایی آن به عنوان یک حق، ترتیبات خاصی را برای آن مقرر کرده است.^۱

لذا با تطبیق اصل مذکور بر قانون اساسی میتوان ضمن احترام به اراده طرفین، رعایت قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی را محقق ساخت. اصول برآمده از کنوانسیون های بین المللی که در خصوص رعایت مقررات زیست محیطی تدوین یافته و کشورهای زیادی کنوانسیون های مذکور را به تصویب رسانده اند نیز می تواند منابع قابل اتکایی در جهت الزام طرفین قرارداد در معاملات نفتی به رعایت مقررات زیست محیطی محسوب گردد. از سوی دیگر نظام حقوق بین الملل بر حق برخورداری از محیط زیستی سالم و بدون آلودگی نفتی تاکید دارد به نحوی که آن را با حقوق بشر پیوند داده است. ابتدا در اعلامیه استکهلم و سپس در منشور جهانی طبیعت، مقدمه پیش نویس حقوق همبستگی و اعلامیه ریو، حق مذکور مورد پذیرش بین المللی قرار گرفته است. منشور آفریقایی حقوق بشر و همچنین پروتکل سان سالوادور الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اگر چه محدود به حقوق بشر منطقه ای هستند لیکن در هر حال به مفهوم حقوق بشری زیست محیطی^۲ جلوه الزام آور حقوقی داده اند. مفهوم حقوق بشری زیست محیطی نشانه تلاقی حفاظت از محیط زیست و بهره مندی از محیط زیست سالم و رضایت بخش با حقوق اساسی بشر است^۳، که به لحاظ اهمیت وافر آن از جهات مختلف به ویژه حقوق بشری مورد تحلیل قرار گرفته است^۴. از سوی دیگر اثبات لزوم قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی مستلزم تعریفی دقیق از زیان دیده در خسارات زیست محیطی ناشی از آلودگی نفتی، مسئولیت های ناشی از خسارات مذکور، وظایفی که طرفین قرارداد نفتی در انجام تکالیف خود بر گرفته از کنوانسیون های بین المللی و تعهدات مندرج در متن قرارداد نفتی بر عهده دارند، می باشد. به عبارت دیگر با تحقق عنصر عینی مسئولیت که همان " نقض تعهد" است ضرورت دارد مشخص شود که آیا خسارات وارده بر محیط زیست باید محدود به خسارت

۱ - ساعد، نادر، حق بر محیط زیست سالم، تئوری و عمل، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲.

2 - Environmental Human Rights.

۳- ساعد، نادر، پیشین.

۴- هنکرتز، ماری و دو سوالد بک، لوئیس، حقوق بین الملل بشر دوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۷، ص ۲۴۴.

وارد بر انسان و اموال وی گردد یا اینکه به طور مطلق شامل هر گونه خسارتی می‌باشد که به وسیله آلودگی نفتی بر انسان و محیط زیست وارد می‌شود. تبیین رابطه ای شفاف بین ورود خسارت و تعیین زیان‌دیده، در متن قراردادهای نفتی است که موجب می‌شود تا زیان دیده گان خسارتهای اکولوژیک نیز قادر باشند در محاکم طرح دعوی کرده و جبران خسارت را مطالبه کنند^۱. لذا چنانچه در قرارداد نفتی از مرحله اکتشاف تا تولید و انتقال، در تعریف دقیق خسارت و تعیین زیان دیده غفلت گردد، تلویحاً به معنی عدم توجه به مسئولیت بهره بردار برای پرداخت خسارت به زیان دیده می‌باشد.

بنابراین لازم می‌آید که قید قواعد زیست محیطی در هر دو بخش عملیات بالادستی^۲ و پایین دستی^۳ که دو حوزه جداگانه محسوب می‌شوند مورد توجه قرار گیرد. افتراق بین این دو حوزه نه از باب لزوم قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی ناظر بر آنها است بلکه متوجه ماهیت قراردادهای مذکور و کار ویژه های هر یک از آنها می‌باشد.

در هر صورت تعیین مسئول خسارت در قراردادهای نفتی با هدف پیشگیری یا جبران خسارات مستقیم یا غیر مستقیم، به تنهایی از کارایی لازم برخوردار نیست و شایسته است با توجه به دو مفهوم مسئولیت ناشی از تقصیر^۴ و مسئولیت مطلق^۵ که ناظر بر پیامدهای عدول از رعایت موازین آمره حقوق محیط زیست هستند، ترکیبی متعادل از مسئولیت مدنی و مسئولیت بین المللی را در روابط حقوقی کارفرما و شرکتهای نفتی ارائه نمود، چراکه تکیه صرف بر مسئولیت مدنی آلوده ساز، وی را از سایر پیگردهای قانونی معاف می‌دارد و از طرف دیگر منحصر نمودن تمام مسئولیت های ناشی از آلودگی نفتی در چارچوب مسئولیت بین المللی ممکن است قادر به جبران کامل حقوق خصوصی اشخاص زیان دیده نگردد.

کنوانسیون های بین المللی نیز در توسعه مفهوم مسئولیت آلودگی محیط زیست به مواد نفتی نقش موثری ایفا نموده و همواره کوشیده اند که در تبیین دو عامل اصلی یعنی مسئولیت آلوده ساز و چگونگی پرداخت خسارت با شفافیت بیشتری به خرج دهند. به عنوان نمونه تاسیس صندوق بین المللی جبران خسارات آلودگی نفتی در سال ۱۹۷۱، ابتکار بدیعی بود که با تصویب کنوانسیون بین المللی تاسیس صندوق بین المللی جبران خسارات آلودگی نفتی^۶ به وجود آمد که مکمل تعیین مسئولیت مدنی در آلودگی نفتی و در حقیقت پی ریزی یک نهاد بیمه ای بین المللی قدرتمند بود تا از توانایی کافی برای ترمیم خسارات گسترده

۱ - کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی؛ «مسئولیت ناشی از خسارتهای زیست محیطی»، فصلنامه ی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ی ۳۸، شماره ی ۲، ۱۳۸۷، صص ۲۹۶-۲۹۵.

2 - Upstream Operations.

3 - Downstream Operations.

4- Liability.

5- Responsibility.

6 - The International Convention on the Establishment of an International Fund for Compensation for Oil Pollution.

ناشی از آلودگی نفتی برخوردار باشد. یکی از اصول بنیادین بیمه های خسارت اعم از بیمه های اموال و بیمه های مسئولیت، حاکمیت « اصل جبران خسارت » است. اصل یاد شده دارای دو اثر مهم است: نخست اینکه، همانند مسئولیت مدنی در اینجا نیز « اصل لزوم جبران کامل خسارت » یا اعاده وضع به سابق^۱ حاکم است. این اصل اقتضاء می کند که بیمه گر بطور کامل خسارت زیان دیده را جبران کند و او را تا حد امکان در موقعیت قبل از روی دادن حادثه زیانبار قرار دهد.^۲

وجود تضمین های مالی مناسب در قراردادهای نفتی، پشتوانه موثری در الزام شرکت های نفتی به رعایت مقررات زیست محیطی محسوب می شود. ماهیت قرارداد های نفتی از نوع « تعهد به نتیجه »^۳ است و محدود به « فراهم آوردن وسایل تعهد »^۴ نمی گردد. اعتقاد به مفهوم مضیق اخیر موجب شده است که در خصوص مسئولیت پیمانکار در عملیات نفتی چنین گفته شود که اولاً، پیمانکار تا زمان تحویل نهایی طرح در فبال هر گونه خسارت وارده به اشخاص ثالث یا پاسخ به ادعاهای آنان در موارد مرتبط با قرارداد مسئولیت دارد ثانیاً، پیمانکار در برابر خسارت غیر مستقیم مسئول نیست ثالثاً، پیمانکار نسبت به خسارات مازاد بر مبلغ تعیین شده با عنوان «تعهد حداکثری» مسئولیتی ندارد. بدیهی است که با نگرش اخیر، موکول کردن استهلاک ضمانت در قراردادهای نفتی به انجام کامل تعهدات شرکت نفتی منجمله رعایت مقررات زیست محیطی غیر ممکن می گردد و ضرورت دارد این مغایرت به نحو منطقی حل و فصل گردیده و در متن قرارداد های نفتی به صورت شفاف گنجانده شود.

بکارگیری راهکاری مناسب برای وصول به تفاهمی مشترک و سودمندانه بین طرفین قرارداد جهت تسهیل در اجرای قواعد زیست با هدف قید مقررات در قراردادهای نفتی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. همسویی منافع بین طرفین قرارداد در اشکال مختلف همانند تعیین قانون حاکم، عدم درج شروط تحمیلی و حاکمیت قضایی به جای نهاد داوری^۵، به درک متقابل برای وصول به هدفی مشترک یاری می رساند.

بدین ترتیب با اثبات لزوم زیست محیطی در قراردادهای نفتی که شاخص ترین سند در تنظیم روابط حقوقی طرفین می باشد می توان از آن به عنوان چارچوبی برای درج تعهدات زیست محیطی طرفین، در جهت نهادینه کردن استفاده از منابع انرژی با حفظ محیط زیست، که در بیانیه ریو « توسعه پایدار» نامیده شده است استفاده نمود.

1 – Restitutio in Integrum.

۲- بادینی، حسن؛ « قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظامهای جبران خسارت»، فصلنامه ی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، ص ۴۲.

3 – Obligation to Certain Result.

4 – Obligation to Means.

5 – Kellor K.F, **Arbitration in Action**, New York: University Press, 1984, p.8.

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

التزام به قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی در گرو اثبات لزوم درج قواعد زیست محیطی مذکور است. امروزه علیرغم استفاده روز افزون از نفت و آلودگی محیط زیست به ویژه محیط زیست دریایی به مواد نفتی، هنوز رویه واحدی در خصوص درج قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی به عنوان سند حقوقی لازم الاجراء و حاکم بر مسئولیت ها و تعهدات طرفین اتخاذ نگردیده است. در حالیکه طبق «معاهده منشور انرژی»^۱ کشورها برای بهره برداری از منابع انرژی، ملزم به بهینه سازی، ارزیابی های زیست محیطی و تطبیق با استانداردهای محیط زیست میباشند. قاعده مند کردن قرارداد های نفتی و نظام بخشیدن به آنها علاوه بر مشخص کردن دامنه مسئولیت های هر یک از طرفین قرارداد و تسهیل جبران خسارت، تقویت کننده اصل پیشگیری از آلودگی نفتی نیز می باشد. این پژوهش میتواند به جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بزرگترین صادرکننده گان نفت در جهان، که خود نیز متاثر از آلودگی محیط زیست به مواد نفتی در خلیج فارس و دریای خزر است، الگویی ارائه دهد تا با طرح آن در مجامع جهانی، زمینه ساز التزام کشور های صادرکننده نفت به قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی و رعایت آن گردند.

۳- هدف پژوهش

هدف این پژوهش تاکید بر این موضوع است که در معاملات نفتی و قراردادهای مربوط به آن، قید قواعد زیست محیطی به دلیل ماهیت آلوده کنندگی نفت خام و گستردگی تجارت آن از الزامی ذاتی برخوردار است. از آنجائیکه ماهیت قراردادهای نفتی «تعهد به نتیجه» می باشد، این امر زمانی محقق می گردد که قراردادهای مذکور از شفافیت لازم برخوردار بوده و مشتمل بر همه عناصر یک توسعه پایدار منجمله رعایت استانداردهای زیست محیطی در متن خود باشد. این پژوهش در صدد است که نشان دهد اعمال دقیق نظارت بر عملیات نفتی جهت ارزیابی های زیست محیطی و رعایت آن، تا چه حد وابسته به درج شرایط الزامی در قراردادهای نفتی است که نه تنها مغایرتی با اعمال اصل صلاحیت بر منابع طبیعی نداشته باشد بلکه در چارچوب نظام قانونی و اطمینان از ثبات اقتصادی کشورها نیز قرار گیرد.

۴- ارزیابی ادبیات موجود

تا کنون بررسی های متعددی در خصوص آلودگی محیط زیست به مواد نفتی و چگونگی مقابله با آن به انجام رسیده و آثار علمی متنوعی نیز ارائه گردیده است. عمده آثار علمی مذکور حاصل تلاش های حقوقدانان و پژوهشگران در زمینه محیط زیست است که مجموعه ای غنی از یافته های مربوط به چگونگی

1 – The Energy Charter Treaty (ECT).

جلوگیری از آلودگی محیط زیست به مواد نفتی را به وجود آورده است. می توان پژوهش های فوق الذکر را به دو دسته عمده تقسیم نمود. پژوهش هایی که به ارزیابی خسارات زیست محیطی در مقاطع زمانی و مکانی مختلف تجارت و نقل و انتقال نفت در جهان پرداخته و عملکرد کشورها را مورد بررسی قرار داده اند. تمرکز آثار مذکور بر روی به گستردگی تاثیر مخرب آلودگی محیط زیست به مواد نفتی قرار دارد. پژوهش های دیگر، مقابله با آلودگی نفتی را با توجه به مقررات بین المللی و ظرفیت های بالقوه موجود از قبیل تقویت نظام های بیمه ای، توسعه صندوق جبران خسارت، بسط مسئولیت های مدنی و بین المللی در پروژهای نفتی، مورد بررسی قرار داده اند که به صورت کتاب ها یا مقالات به جامعه علمی ارائه گردید. هر چند در اینجا امکان معرفی تمامی آثار علمی مذکور، مقدور نمی باشد اما اجمالا به برخی از مهمترین آنها اشاره می شود.

اچ دی پارکر و جی دی پیت^۱ که از اساتید حقوق بین الملل در کشور هلند می باشند در کتاب مشترک خود با عنوان « کنترل آلودگی نفتی و قانون گذاری بین المللی » پژوهش جامعی در خصوص ناکافی بودن قوانین بین المللی با تاکید بر کنوانسیون مارپول و پروتکل های الحاقی به آن انجام داده اند. از دیدگاه نویسندگان مذکور، منطبق نبودن مقررات بین المللی با یافته های علمی و متناسب نبودن مفاد کنوانسیون های مذکور با نیازهای واقعی، دو عامل عمده در عدم جلوگیری از آلودگی نفتی و موثر بودن اقدامات احتیاطی پیشگیرانه در این زمینه می باشد. آنان نیاز به تجهیزات بیشتر و بکارگیری روش های جدید کنترل و نظارت^۲ به ویژه در زمینه تخلیه پسماند های نفتی از نفتکش ها همزمان با اجرای روش های جدید شستشوی مخازن تانکر های نفتی را از جمله اقدامات فوری و ضروری می دانند و در بلند مدت خواهان تغییرات ساختاری در محتوای کنوانسیون های بین المللی در رابطه با آلودگی نفتی و توسعه قوانین بین المللی مرتبط با آن می باشند.

نیکلاس دی سدلییر، الفتیریا وهمکاران^۳ که به تدریس حقوق محیط زیست در دانشگاه های آمریکا و انگلستان اشتغال دارند در دو اثر جداگانه، مقابله با آلودگی محیط زیست را به ترتیب از منظر آراء صادره از

1 – H.D. Parker & G.D. Pitt, **Oil Pollution Control and International Legislation**, Springer Press, Netherland, 1987.

2 – Monitoring.

۳-ر.ک:

A-Nicolas de Sadeleer, Liability for Oil Pollution Damage versus Liability for Waste Management: The Polluter Pays Principle at the Rescue of the Victims, **Journal of Environmental Law**, Vol. 21, No.1,2009.

B-Eleftheria, Eliopoulou & Apostolos, Papanikolaou, Analysis of Tanker Casualties after the Oil Pollution Act (USA, 1990), **Journal of Engineering for the Maritime Environment**, Vol. 226, No.1, 2012.

دادگاه اروپا^۱ و قانون الودگی نفتی امریکا ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار داده اند. سدلیر در مقاله خود با عنوان «مسئولیت خسارت ناشی از آلودگی نفتی در برابر مسئولیت جهت مدیریت پسماند» معتقد است که دادگاه اروپا نباید در مسئولیت آلوده ساز نفتی حتی در موقعیت های مختلف، تفاوتی قائل شود. از دیدگاه وی مسئولیت آلوده سازی صاحبان نفتکش ها در تخلیه مواد نفتی به دریا، چه هنگام طوفانی بودن دریا و چه در زمان عادی بودن شرایط آب و هوایی، یکسان است چراکه در غیر اینصورت می بایست تعریف دیگری از آلودگی نفتی و مسئولیت آلوده ساز به عمل آید. نویسنده مذکور سپس با استناد به اصل «آلوده کننده باید بپردازد» الزام مطلق شرکت های حمل مواد نفتی به پاک سازی مناطق آلوده به مواد نفتی را در آراء صادره از دادگاه اروپا، ناظر بر جبران خسارت و اعاده وضع به سابق، منصفانه و منطقی می داند. الفتیر و همکار وی نیز در موافقت با اطلاق وسیع تر مسئولیت ناشی از آلودگی نفتی، در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیلی بر تلفات ناشی از تانکرها پس از تصویب قانون نفت در آمریکا در سال ۱۹۹۰» به این نتیجه میرسد که تنها پس از تصویب قانون جامعی در ایالات متحده آمریکا که بر نظارت دقیق بر حمل و نقل محموله های نفتی به ویژه با ظرفیت های متوسط و بزرگ ۲۰۰۰۰ تن تاکید داشت، نه تنها از تعداد تصادفات تانکرهای حمل نفت کاسته شد بلکه تعداد تلفات ناشی از آن نیز به حداقل کاهش یافت.

جیمز هاریسون^۲ در پژوهش خود با عنوان «تفاسیر متناقض برخاسته از تنوع حوادث، و کاربرد مسئولیت بین المللی ناشی از آلودگی نفتی و نظام جبران خسارت در مخازن فلات قاره و عملیات حمل و نقل» به کارایی نظام جبران خسارت در مخازن ذخیره نفت واقع در دریا و دریافت غرامت ناشی از تصادم محموله های نفتی، به عنوان دو عامل اصلی آلوده ساز نفتی اشاره کرده و آن را مشروط به ایجاد تحولات مبنایی در سیاست صندوق بین المللی جبران خسارت ناشی از آلودگی نفتی می داند. هاریسون نتیجه می گیرد که دامنه فعلی نظام جبران خسارت، نامشخص، غیر شفاف و محدود است و نیاز به ایجاد یکنواختی و وحدت رویه در کارکرد نظام جبران خسارت ناشی از آلودگی نفتی در سراسر جهان می باشد. همین پژوهشگر در مقاله دیگری با نام «نظام چند وجهی و مقررات جهانی مسئولیت و جبران خسارت ناشی از آلودگی نفتی»

1 – European Court of Justice (ECJ).

۲- ر. ک.:

A- James, Harrison, Conflicting Interpretations—the Slops Incident and the Application of the International Oil Pollution Liability and Compensation Regime to Offshore Storage and Transfer Operations, **Journal of Environmental Law**, Vol.20, 2008.

B- James Harrison, Regime pluralism and the global regulation of oil pollution liability and compensation, **International Journal of Law**, No. 4, 2009.

قوانین بین المللی فعلی را هر چند کارآمد تر از دهه ۷۰ از جهات مختلف می داند اما به لحاظ اینکه نقش بازیگران غیر دولتی را نادیده می گیرد، از آن به عنوان نظامی سنتی و تک وجهی نام می برد. وی معتقد است که سازمان های غیر دولتی باید نقش فعال تری در زمینه اطلاع رسانی، آموزش، ایجاد صندوق های ضمانت مالی و بالاخره کنترل و مراقبت جهت مقابله با آلودگی های نفتی و رفع تدریجی آن بر عهده گیرند و دولت ها نیز نقش سازمان های مذکور را پذیرا باشند.

در منابع فارسی نیز آلودگی محیط زیست به مواد نفتی از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفت که از آن جمله می توان از مسعود امانی در کتاب خود با عنوان « حقوق قراردادهای بین المللی نفت » نام برد. نویسنده با استدلال این موضوع که چون ماهیت قراردادهای نفتی، از نوع تعهد به نتیجه می باشد، تنها زمانی قرارداد نفتی پایان یافته محسوب می گردد که تمامی تعهدات طرفین (منجمله رعایت مقررات و استانداردهای زیست محیطی) در پروژه های نفتی به انجام رسیده باشد.^۱

محمد رضا صابر در اثری تحت عنوان « بیع متقابل در بخش بالا دستی نفت و گاز » رعایت مقررات زیست محیطی طی عملیات نفتی را از مصادیق اعمال حاکمیت دولت بر منابع ملی بر می شمارد که منطبق با قوانین اساسی هر کشور می بایست به نحو مقتضی اعمال گردد. به عبارت دیگر از آن جاییکه دولت ها موظف به رعایت مصالح عامه و منافع عمومی جامعه هستند، نه تنها دارای صلاحیت اعمال قواعد زیست محیطی در اجرای پروژه های نفتی هستند بلکه ملزم به اعمال آن نیز می باشند.^۲

قاسم زمانی در مقاله ای با عنوان « توسعه مسئولیت بین المللی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست » معتقد است اگر چه حقوق بین الملل محیط زیست توانسته است تحولی اساسی در مبانی مسئولیت بین المللی ایجاد کند ولی هنوز از مکانیسم اجرایی موثری برخوردار نیست. در بعد مسئولیت مدنی تلاشهای زیادی از طریق ایجاد صندوق های جبران خسارت، تضمینها و بیمه های اجباری و تغییر بار اثبات مسئولیت صورت گرفته و تاکید بسیاری بر همکاری بین المللی در زمینه های اطلاع رسانی، مذاکره، مشورت، مساعدت و غیره به عمل آمده است اما هنوز از اتخاذ کنوانسیون عام و جهانی و موثر بر عملکرد کشورها بی نیاز نشده ایم.^۳

فرهاد ایرانپور نیز در اثر خود با عنوان « مبانی عمومی قرار دادهای نفتی » اعمال قواعدی همچون رعایت

۱ - امانی، مسعود؛ حقوق قراردادهای بین المللی نفت، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ع، ۱۳۸۹.

۲ - صابر، محمد رضا؛ بیع متقابل در بخش بالا دستی نفت و گاز، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۹.

۳ - زمانی، قاسم؛ « توسعه مسئولیت بین المللی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست »، مجله ی پژوهشهای حقوقی، شماره ۱، ۱۳۸۱.

مقررات زیست محیطی در قراردادهای نفتی را نه در قالب اعمال حاکمیت مطلق دولت میزبان بلکه با اجرای نوعی مشارکت طرفین در تصمیم گیری می داند به نحوی که دولت میزبان و شرکت های نفتی در اجرای آن دارای منافع مشترک گردند.^۱

حسین بیابانگرد در پایان نامه دکترای خود با عنوان «جنبه های حقوقی مشارکت تجارتي بين المللی» یکی از جنبه های مشارکت طرفین قرارداد را امکان دخالت قوانین ملی در قرارداد به نفع عموم می داند که می تواند مشتمل بر رعایت مقررات زیست محیطی نیز باشد^۲ و محمدرضا عزیزاللهی در بخشی از پایان نامه دکترای خود تحت عنوان «بیع متقابل از دیدگاه فقه و حقوق» همان قاعده را از دیدگاه فقهی نیز مورد بررسی قرار می دهد.^۳ جاوید عمیدی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی تطبیقی قراردادهای نفتی ایران و سایر کشورها» به مسئولیت طرفین قرارداد در اجرای تعهدات مندرج در قرارداد که شامل الزامات زیست محیطی نیز می باشد اشاره می نماید.^۴

با توجه به اهمیت آلودگی محیط زیست به مواد نفتی، هریک از صاحب نظران در زمینه حقوق محیط زیست به تحقیق در جنبه خاصی از موضوع پرداخته و کوشیدند تا ابتدا با طرح مشکل و سپس ارائه راه حل، بهترین راهکارها در رفع یا کاهش آلودگی نفتی به جامعه علمی تقدیم نمایند. از مجموع ادبیات موجود در زمینه رعایت قواعد زیست محیطی در پروژه ها و طرح های نفتی چنین استنباط می شود که نویسندگان علاوه بر اینکه خواهان تغییرات ساختاری در نظام کنونی تعیین مسئول الودگی و پرداخت غرامت به زیان دیده هستند بلکه بر اتخاذ اقدامات عملی به ویژه در زمینه کنترل و نظارت تاکید دارند که تمامی این مباحث هر چه بیشتر به تبیین علمی موضوع کمک خواهد کرد. اما نقطه تمرکز آثار مذکور بر لزوم قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی که موضوع این رساله می باشد قرار نداشت. در حقیقت رساله حاضر در جستجوی رابطه سببیت بین التزام به رعایت قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی و کاهش آلودگی نفتی ناشی از آن می باشد.

۱- ایرانپور، فرهاد؛ «مبانی عمومی قراردادهای نفتی»، فصلنامه ی حقوق، دانشگاه تهران، شماره ۳، ۱۳۸۶.

۲- بیابانگرد، حسین، «جنبه های حقوقی مشارکت تجارتي بين المللی»، پایان نامه دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.

۳- عزیزاللهی، محمدرضا، «بیع متقابل از دیدگاه فقه و حقوق»، پایان نامه دکتری، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۴.

۴- عمیدی، جاوید، «بررسی تطبیقی قراردادهای نفتی ایران و سایر کشورها»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۳.